



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۱/۰۷

نادر شاه سدوزی

خطاب به عطا محمد نور والی سابق ولایت بلخ

گرچه موضوع سیاسی بین حکومت وحدت ملی و عطا محمد نور والی سابق ولایت بلخ یک موضوع کاملاً رسمی و سیاسی بوده که به خود شان مربوط می باشد، ولی حیف است که در شرایط فعلی نظر به پیشرفت هایی که در ساحه سیاست خارجی و سیاست اقتصادی دولت محسوس است، حزب جمعیت در این وقت باریک و حساس خواسته و یا نا خواسته به طرف انشعاب سوق داده شود و پارچه پارچه گردد.

به همین نسبت است که نمی توان از تبصره در باره وضعیت فعلی خوداری کرد. علت وضعیت فعلی که از طرف عطا محمد نور خلق شده از چه قرار است؟

از مدتی است که نظر به درخواست خود عطا محمد نور استعفی وی از جانب رئیس جمهور پذیرفته شده و در همه جا از وی به صفت والی برکنار شده و یا خوبتر بگویم مستعفی نامبرده می شود. مگر خود عطا محمد نور دو پا را در یک موزه نموده با گردن شخی در مقابل تصمیم دولت که خودش قبلاً عضو دولت بود مقاومت می کند و خود را هنوز هم والی بر حال می داند.

باید بدین طریق برای وی تفهیم شود که سیاست کاری نیست که با مشیت و لگد محاسبه گردد. زیرا سیاست های زمان سابقه گذشته، و از حالت بدوی خود بیرون برآمده و امروز سیاست متمدن مطرح می باشد که از عقل پیروی می کند. با دندان شکستادن و یا شکستادن دندان های افراد مسؤول خلاف عقل و فراست انسانی بوده و با حرف های کاملاً بچگانه و دور از عقل و منطق نمی توان به جای رسید.

والی سابق بلخ ادعا دارد که استعفای وی مشروط به اجرای توافقنامه حکومت وحدت ملی است. بسیار خوب. ولی پیش هر کس امکان دارد این سؤال مطرح گردد که شرط گذاشتن یک والی برای رئیس جمهور آیا یک توجیه قانونی دارد؟ زیرا صلاحیت ها و اختیارات هر مقام در قانون اساسی مشخص شده و هر کس در قسمت صلاحیت و اختیارات خود می تواند تصمیم بگیرد.

باز هم وی ادعا می کند که حکومت وحدت ملی یک حکومت توافقی است که یک طرف توافق اشرف غنی و طرف دیگر آن حزب جمعیت اسلامی است.

باید متوجه بود که این ادعای عطا محمد نور یک ادعای بی اساس، بی پایه و کاملاً دروغ است. شما هرگاه توافقنامه را از زیر نظر بگذرانید دیده می شود که هیچ اشاره ای به حزب جمعیت به عنوان طرف توافقنامه نشده است. در واقعیت این توافقنامه بین دو تیم پیشتاز انتخاباتی صورت گرفته که در رأس یک تیم، رئیس جمهور اشرف غنی و در رأس دیگر آن رئیس اجرائیه عبدالله عبدالله قرار داشتند. و همان قسمی که رئیس اجرائیه اعلام کرد، ایشان نیز با قبولی استعفای والی سابقه بلخ موافق بوده است که بنا بر این به لحاظ توافق داشتن حکومت در قضیه استعفای وی یک هماهنگی کامل موجود بوده، کدام تناقضی وجود نداشته ندارد و هر دو تیم به این امر موافق بوده اند.

با وصف همه، وی «عطا محمد نور» اضافه می کند که بیشتر از پیش به دفتر می رود و اسناد را امضاء می کند. بهر تقدیر دیده می شود که این شخص یک مأمور متمرّد بوده در مورد حاکمیت قانون بی اعتناء و با دو دست قیر خود را می کند. عملی را که انجام می دهد خلاف قانون بوده امضاء وی مدار اعتبار نمی باشد. بدین ترتیب خودش برای خود، دوسیه ای ترتیب می دهد که اعمالش در محکمه مورد تحقیق قانونی قرار گیرد و مجازات شود.

بهر صورت نظر به ذوق جاه طلبانه که این شخص دارد حزب جمعیت را به طرف بحران سوق می دهد، چونکه تعداد زیادی از اعضای آن از موقف عبدالله عبدالله حمایت نموده و دارای مقام های بلند در سطح رهبری مملکت می باشند.

در اخیر می توان اظهار نمود که در نظام دموکراسی، آزادی بیان یک حق است تا از افراط گرایی، انقلاب، اغتشاش، تمرد، و وارد نمودن اتهامات بی مورد کاملاً جلوگیری گردد و بدین طریق افرادی مسؤول بتوانند برای آبادی مملکت کشور اقدام مسؤولانه نموده که مورد خدمت مردم قرار گیرد.

پایان